

بررسی تحوّل مسند مهارگذاری و رابطه آن با پرخاشگری

زهره مجدآبادی فراهانی

چکیده:

«آزمون مسند مهارگذاری نوویکی - استریکلند» و «آزمون تصاویر ناکامی روزنزیویک» در ۱۲۵ دختر در گروه‌های سنی ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، سال اجرا گردید تا تأثیر سن در مسند مهارگذاری پرخاشگری و رابطه این دو با هم ارزشیابی گردد. براساس فرضیه‌های پژوهش با افزایش سن، جهت پرخاشگری، درونی می‌شود و کودکان واجد مسند مهارگذاری درونی و بیرونی از حیث رفتار پرخاشگرانه (ریخت و جهت پرخاشگری) از یکدیگر متفاوت هستند. یافته‌های نهایی پژوهش نشان دادند که: الف) در محدوده خاصی از فرآیند اجتماعی شدن (۸-۱۴ سال) عامل سن یکی در تغییر جهت مسند مهارگذاری مؤثر نیست، ب) با افزایش سن، گرایش بیشتری به درون فکّتی پرخاشگری حاصل می‌گردد، ج) کودکان واجد مسند مهارگذاری بیرونی، به رغم وجود مانع، حلّ موقعیت ناکامی را بیشتر با تعقیب هدف پیگیری می‌کنند، گرایش بیشتری به پیدا کردن راه حلّ مشکل ناکام کننده از طریق فرد دیگر دارند و با قبول سرزنش و انتقاد از خود، پرخاشگری را بیشتر متوجه خود می‌کنند و د) کودکان واجد مسند مهارگذاری درونی بیشتر برای دفاع از خود عمل می‌کنند، در مقابل ناکامی اعضاء بیشتری نشان می‌دهند و با اجتناب از موقعیت ناکام کننده گرایش بیشتری به بازداری بیان خصومت آمیز دارند.

کلیدواژه‌ها: مسند مهارگذاری، پرخاشگری، سن، ناکامی



مقدمه

«ادراک مهار» مفهومی است که روانشناسان از دیر باز توجه خود را به آن معطوف داشته‌اند چه، رفتار انسان و حیوان زیر تأثیر آن قرار می‌گیرد. مفهوم پردازش‌های متفاوتی که به این بعد از شخصیت اختصاص یافته پیچیدگی آن را نشان می‌دهد. «راتر» (۱۹۶۶)، در چارچوب روی آورد یادگیری اجتماعی، «مسند مهارگذاری» را به منزله انتظار تعمیم یافته در مورد نحوه ارتباط علی پیامدها (تقویتها) و رفتار تعریف می‌کند. وی بر این عقیده است که تقویت را می‌توان به منزله پیامد اعمال یا ویژگیهای فرد «مسند مهارگذاری درونی»^۱ و با پیامد نیروهای بیرونی «مسند مهارگذاری بیرونی»^۲ مورد نظر قرار داد.

آبرامسن و همکاران (۱۹۷۸)، جنبه‌ای دیگر از مهار یعنی فقدان مهار را مورد نظر قرار داده‌اند و بر اهمیت اسنادهای فرد در مورد فقدان مهار تأکید می‌ورزند و آن را از سه بُعد در نظر می‌گیرند: «شخصی» (درونی) در مقابل «جهانی» (بیرونی)، «خاص» در مقابل «کلی» و با «ثبات» در مقابل «بی‌ثبات». وایز (۱۹۸۶) مهار را ظرفیت ایجاد پیامدی که قصد آن وجود دارد تعریف می‌کند و الگویی دو بعدی از مهار ارائه می‌کند. از نظر وی مهار، کنش متصل به هم دو عامل است:

«وابستگی پیامد»^۳ و «صلاحیت شخصی»^۴. وابستگی پیامد به درجه‌ای که افراد به طور کلی می‌توانند پیامدهای هدف را به واسطه عمل فردی به دست آورند و صلاحیت شخصی به ظرفیت فرد در ایجاد رفتاری که پیامد هدف به آن وابسته است، اطلاق می‌گردد. «اسکینر» و همکاران (۱۹۸۸) بر اساس روی آورد «عمل»^۵ برای بررسی باورهایی که به مهار و عمل مربوط می‌شوند یعنی باورهای مربوط به روابط میان عاملها، وسایل و هدفها یک الگویی سه بعدی ارائه می‌کنند:

«باورهای مهار»، من می‌توانم پیامد «ب» را مهار کنم.

«باورهای وسیله-هدف»، شرایط «الف» به پیامد «ب» منجر می‌گردد.

«باورهای عامل»، من دارم یا می‌توانم آن را ایجاد کنم.

نقش «سن» به منزله عامل تغییر در ادراکهای علی، موضوع پژوهشهای متعدد بوده است. در پاره‌ای از این مطالعات به رابطه مسند مهارگذاری درونی و سن اشاره شده است به عنوان مثال، «نوویکی» و «استریکلند» (۱۹۷۳)، «نوویکی» و «دوک» (۱۹۷۴). در برخی دیگر از مطالعات

هیچ تفاوت تحوُّلی آشکار نگشته است (کلیفورد و کلیبری، ۱۹۷۲؛ هگلند و گلیز، ۱۹۸۳). همچنین بررسی رابطهٔ مسند مهارگذاری و متغیرهای شخصیتی گوناگون از جمله «پرخاشگری» توجه پاره‌ای دیگر از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. مطالعات مربوط به ارتباط مسند مهارگذاری و پرخاشگری نسبتاً محدودند و این محدودیت در بررسیهای مربوط به کودکان بیشتر به چشم می‌خورد. «باتر فیلد» (۱۹۶۴)، با استفاده از مقیاس مسند مهارگذاری (لیورانت^۱ و سکودل^۲، ۱۹۶۰) و فهرست واکنش به ناکامی (چایلد^۳ و واترهاوز^۴، ۱۹۵۳) به این نتیجه رسید که مسند مهارگذاری بیرونی با درون‌کیفری رابطهٔ مثبت و با واکنش سازنده رابطهٔ منفی دارد. «ویلیامز» و «ونترس» (۱۹۶۹) و «باتیا» و «گولین» (۱۹۷۸) افراد واجد مسند مهارگذاری بیرونی را پرخاشگرتر گزارش می‌کنند و بالاخره «رمی» و «یشکوویتز» (۱۹۹۰)، براساس تمایز پرخاشگری مثبت و منفی به این نتیجه دست یافتند که آزمودنیهای واجد مسند مهارگذاری درونی به ناکامی با پرخاشگری مثبت و افراد واجد مسند مهارگذاری بیرونی با پرخاشگری منفی پاسخ می‌دهند.

پرداختن به بررسی مناسبات بین شکل‌گیریهای متفاوت ادراک مهار و تمایز رفتارهای پرخاشگرانه از این حیث که یکی از عمده‌ترین غرایز بنیادی را از زوایه کنش‌وری ادراکی - شناختی مورد توجه قرار می‌دهد، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. این قلمرو و ارسای بنابر دریافتهای نظری متفاوت می‌تواند به تعیین نقش ادراک مهار در یادگیری رفتار پرخاشگرانه یا در سطح عمقی به واری عامل ادراک مهار در کنش‌وری سازمان من - نظامی که مهار رفتار پرخاشگرانه را بر عهده دارد - اختصاص یابد و امکان فهم روابط ادراک مهار و رفتار پرخاشگرانه را در زمینه الگوهای تربیتی و روشهای درمانگری فراهم سازد.

هدف از پژوهش حاضر در وهلهٔ اول بررسی چگونگی تأثیر سن در مسند مهارگذاری و پرخاشگری در وهلهٔ دوم بررسی رابطهٔ مسند مهارگذاری درونی و بیرونی با رفتار پرخاشگرانه «ریخت»^۱ و «جهت پرخاشگری»^۲ براساس تقسیم‌بندی «روزنزدیک» از الگوهای واکنش به ناکامی است. براساس فرضیه‌های پژوهش با افزایش «سن» جهت پرخاشگری درونی می‌شود و ریخت و جهت پرخاشگری در افراد واجد مسند مهارگذاری درونی و بیرونی از یکدیگر متفاوت است.

روش

گروه نمونه شامل ۱۲۰ دختر بودند که در چهار گروه سنی ۸ تا ۹ سال، ۱۰ تا ۱۱ سال، ۱۱ تا ۱۳ سال و ۱۴ تا ۱۵ سال) به صورت برابر تقسیم شدند. در انتخاب گروه نمونه، از سه ناحیه شمال، مرکز و جنوب تهران سه منطقه ۳ و ۱۲ و ۱۶ از مناطق نوزده گانه آموزشی تهران به قید قرعه انتخاب شدند و از هر منطقه یک دبستان، یک مدرسه راهنمایی و یک دبیرستان به صورت تصادفی تعیین گردید. انتخاب اعضای گروه نمونه در مدارس مزبور براساس روش نمونه برداری نظامدار نسبت به ترازهای سنی تعیین شده انجام گردید.

به منظور ارزشیابی مسند مهارگذاری، «آزمون مسند مهارگذاری نویکی - استریکلند»، «فرم و نوجوانان»^{۱۱} و نوجوانان به کار گرفته شد. «مقیاس نویکی - استریکلند» از آزمونهای مداد و کاغذی است که برای بررسی مسند مهارگذاری طراحی شده است. این آزمون برای افراد ۸ تا ۱۷ سال تهیه شده (۱۹۷۳) و شامل ۴۰ سؤال از نوع «انتخاب اجباری»^{۱۵} است. این مقیاس تاکنون یکی از رایجترین وسایل اندازه گیری مهار درونی - بیرونی در جمعیت کودکان و نوجوانان بوده است. «استریکلند» (۱۹۸۹)، اظهار می کند که بالغ بر ۷۰۰ مطالعه با استفاده از این مقیاس صورت پذیرفته و فرم اصلی به بیش از ۲۴ زبان ترجمه شده است. آزمون را می توان بر حسب مقاصد پژوهشی به صورت فردی و گروهی اجرا کرد. براساس روش توصیه شده از سوی مؤلفان آزمون، هر ماده آزمون دو بار برای آزمودنیها خوانده شده و آنها پاسخهای خود را در چهار خانه مقابل هر سؤال با علامت ضربدر نشان دادند.

برای ارزشیابی رفتار پرخاشگرانه «آزمون تصاویر ناکامی روزنزیوینگ»^{۱۶} (فرم کودکان) که به وسیله دلمخوش (۱۳۷۳) با ویژگیهای فرهنگی کودکان ایرانی منطبق گردیده است، مورد استفاده قرار گرفت. آزمون تصاویر ناکامی روزنزیوینگ، شیوه فراقکن محدودی است که برای ارزشیابی واکنش در قبال ناکامی طراحی شده است. فرم کودکان این آزمون برای کودکان ۴ تا ۱۳ سال تهیه شده (۱۹۴۸)، و شامل ۲۴ تصویر شبه کارتونی است. در هر تصویر دو نفر در موقعیت ناکامی خفیفی که وقوع متداول دارد نمایش داده شده اند. شخص سمت راست (ناکام کننده) هر تصویر کلماتی را می گوید که یا به توصیف ناکامی فرد سمت چپ (ناکام شونده) کمک می کند یا خود کلمات حقیقتاً برای او ناکام کننده هستند. حالت های چهره و دیگر تجلیات هیجانی به عمد از تصاویر حذف شده اند. شخص ناکام کننده در نیمی از موارد، فردی بزرگسال با چهره ای پدرا نه و

یا مادرانه و در نیمی دیگر یک کودک است. در حالی که شخص ناکام شونده در تمامی موقعیتها همواره یک کودک - پسر یا دختر - است.

دفترچه آزمون به آزمودنیها داده شد و دستورالعمل اجرای آزمون برای آنها اینگونه بیان شد: «در این دفترچه تصویرهایی را می بینید. هر تصویر دو نفر را نشان می دهد که با هم صحبت می کنند حرفهای یکی از آنها در جای مشخصی نوشته شده است. فکر کنید شخص دیگر به او چه جوابی خواهد داد. اولین جوابی را که به فکر تان می رسد در جای خالی که در هر تصویر وجود دارد، بنویسید. تا آنجا که می توانید این کار را با سرعت انجام دهید.»

آزمونهای مذکور، در کلیه گروههای نمونه به استثنای کودکان کلاس سوم که اجرای فردی به دلیل احتمال اشتباه از سوی آنها، لازم به نظر می رسید، به صورت گروهی اجرا شدند. در بررسی نتایج آزمونها از تحلیل واریانس تک متغیری برای بررسی تأثیر عامل سن در مسند مهارگذاری و پرخاشگری و طرح تحلیل رگرسیون چند متغیری برای مطالعه رابطه مسند مهارگذاری و پرخاشگری اجرا گردید و بر حسب لزوم مقایسه های چندگانه صورت گرفت.

نتایج

نتایج حاصل از تحلیل واریانس برای مقایسه مسند مهارگذاری در چهار گروه سنی نشان داد که تفاوت معناداری بین میانگینهای چهار گروه وجود ندارد $[p < 0/05]$ و $F_{ob} = 0/89 > F_{cr} (3 و 116) = 2/70$.

نتایج حاصل از تحلیل واریانس برای مقایسه پرخاشگری در چهار گروه سنی نشان داد که در چهار متغیر از ۲۱ متغیر پرخاشگری یعنی متغیرهای «درون معنی» $[p < 0/05]$ و $3/26 = F_{ob} > F_{cr} (3 و 116) = 2/70$ ، «درون کیفی» $[p < 0/05]$ و $2/82 = F_{ob} > F_{cr} (3 و 116) = 2/70$ ، مقوله «درون پرخاشگری» $[p < 0/05]$ و $2/77 = F_{ob} > F_{cr} (3 و 116) = 2/70$ و گونه الحاقی «درون کیفی» $[p < 0/01]$ و $4/91 = F_{ob} > F_{cr} (3 و 116) = 3/98$ بین میانگینهای گروههای سنی از لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود دارد.

نسبتهای F حاصل از تحلیل رگرسیون دو متغیری (مسند مهارگذاری و سن: متغیرهای مستقل و پرخاشگری: متغیر وابسته) نشان داد که رگرسیون هشت متغیر از ۲۱ متغیر پرخاشگری یعنی درون معنی $[p < 0/05]$ و $4/15 = F_{ob} > F_{cr} (3 و 116) = 2/70$ ، درون کیفی $[p < 0/05]$ و $4/35 =$

$F_{ob} = 2/70 > F_{cr} (3 و 16) = 4/13$ و $p < 0/05$ بی کیفی [$F_{cr} (3 و 16) = 2/70 > F_{ob} = 4/13$]، برون پیگیری [$F_{cr} (3 و 16) = 3/98 > F_{ob} = 4/94$ و $p < 0/01$] مقوله دفاع خود [$F_{cr} (3 و 16) = 3/79$ و $p < 0/05$]، مقوله پافشاری بر نیاز [$F_{cr} (3 و 16) = 2/70 > F_{ob} = 4/51$ و $p < 0/05$]، مقوله الحاقی درون کیفی [$F_{cr} (3 و 16) = 2/70 > F_{ob} = 3/58$ و $p < 0/05$] و الگوی فرامنی گونه الحاقی برون کیفی [$F_{cr} (3 و 16) = 2/70 > F_{ob} = 3/72$ و $p < 0/05$] به لحاظ آماری معنادار هستند.

ضرایب تعیین (R^2) و ضرایب تفکیکی رگرسیون متغیرهای سن و مسند مهارگذاری همراه با نسبتهای T متغیرهای مذکور در جدول نشان داده شده‌اند.

جدول ۱- رگرسیون هشت متغیر پرخاشگری براساس سن و مسند مهارگذاری

شاخص‌ها متغیرهای وابسته	ضریب تعیین (R^2)	ضریب تفکیکی رگرسیون سن	نسبت‌های T	ضریب تفکیکی رگرسیون مسند مهار	نسبت‌های T
درون منعی	۰/۰۶۶۲۰ *	-۰/۱۲۹۴۱۷	۰/۰۱۰۳	۰/۰۱۴۵۶۴	-۰/۳۲۲۱
درون کیفی	۰/۰۶۹۲۷ *	۰/۲۹۷۳۵۹	۰/۰۱۰۱	۰/۰۴۹۶۳۳	-۰/۱۰۵۶
بی کیفی	۰/۰۶۵۹۳ *	۰/۰۵۰۶۶۲	۰/۷۵۱۶	-۰/۱۲۰۰۸	-۰/۰۰۵۸
برون پیگیری	۰/۰۷۷۸۳ *	-۰/۲۹۱۳۹۹	۰/۰۵۰۲	۰/۰۸۷۶۵۶	-۰/۰۲۸۰
دفاع خود	۰/۰۶۰۸۰ **	۰/۳۹۸۳۰۲	۰/۰۵۲۸	-۰/۰۹۵۷۳۲	-۰/۰۸۴۰
پافشاری بر نیاز	۰/۰۷۱۵۲ *	-۰/۳۷۴۹۲۱	۰/۰۴۶۵	۰/۱۰۰۲۰۷	-۰/۰۴۶۷
گونه الحاقی برون کیفی	۰/۰۵۷۶۲ **	-۰/۱۲۶۲۲۰	۰/۱۹۷۲	-۰/۰۶۴۰۵۳	-۰/۰۱۵۳
گونه الحاقی درون کیفی	۰/۰۵۹۷۶ **	۰/۲۳۲۲۳۹	۰/۰۰۹۹	۰/۰۲۲۱۰۱	۰/۳۱۵۱

• $p < 0/01$ •• $p < 0/01$

نتایج نشان می‌دهند که متغیرهای سن و مسند مهارگذاری ۷ درصد واریانس درون منعی، ۷ درصد واریانس درون کیفی، ۷ درصد واریانس بی کیفی، ۸ درصد واریانس برون پیگیری، ۶ درصد واریانس دفاع خود، ۷ درصد واریانس پافشاری بر نیاز، ۶ درصد واریانس گونه الحاقی برون کیفی و ۶ درصد واریانس گونه الحاقی درون کیفی را تبیین می‌کنند. نسبت‌های T مبین آن هستند که سن در متغیرهای درون منعی، درون کیفی، پافشاری بر نیاز و گونه الحاقی درون کیفی اثر مستقلی اعمال می‌کند در حالی که مسند مهارگذاری در متغیرهای بی کیفی، برون پیگیری، پافشاری بر نیاز و گونه الحاقی برون کیفی اثر مستقلی دارد.

نتیجه گیری

در مورد چگونگی تأثیر سن در مسند مهارگذاری نتایج تحلیل آماری داده‌های آزمون مسند مهارگذاری نشان می‌دهد که عامل سن در مسند مهارگذاری تأثیری ندارد. در تبیین عدم تأثیر عامل سن در مسند مهارگذاری در گروه‌های مورد بررسی (۸-۱۴) می‌توان به این مطلب اشاره کرد که ادراک مهار تابعی از معیارهای عام گروه‌های سنی نیست بلکه بایستی بر حسب تمایزات سازمان یافتگی روانی مبتنی بر داده‌های علت‌شناسی چون تاریخچه زندگی فردی، نقش یادگیری؛ تعامل والدین با کودکان (هگلند و گلیز ۱۹۸۳)، و شیوه‌های والدین و معلمان برای اجتماعی شدن کودکان (بوریل، ۱۹۸۱)، مورد بررسی قرار گیرد.

در آزمون فرضیه اول پژوهش که افزایش درون پرخاشگری کودکان را با افزایش سن پیش‌بینی کرده بود، نتایج تحلیل آماری داده‌های آزمون تصاویر ناکامی نشان می‌دهند که میانگین نمرات در مقوله درون پرخاشگری با افزایش سن بیشتر شده است. به بیان دیگر با افزایش سن گرایش بیشتری به درون‌فکنی پرخاشگری حاصل می‌گردد. بدین ترتیب می‌توان افزایش درون پرخاشگری را با افزایش سن انعکاسی از اجتماع‌پذیری کودکان تلقی کرد.

در آزمون فرضیه دوم پژوهش که تفاوت ریخت پرخاشگری را در کودکان واجد مسند مهارگذاری بیرونی و درونی پیش‌بینی کرده بود، ملاک ارزشیابی ضریب‌های رگرسیون مسند مهارگذاری در مقوله‌های مرتبط با ریخت پرخاشگری است. نتایج نشان می‌دهند که مسند مهارگذاری بر دو مقوله «پافشاری بر نیاز» و «دفاع من» تأثیر متضاد دارد. هر چه مسند مهارگذاری بیرونی‌تر می‌شود، پافشاری بر نیاز بیشتر می‌گردد، به عبارت دیگر به رغم وجود مانع، حل مشکل ناکامی بیشتر با تعقیب هدف پیگیری می‌شود، همچنین عامل برون‌پیگیری که در ردیف عوامل مقوله پافشاری بر نیاز است به نتیجه‌ای همگرا منتهی گردیده است. به این ترتیب با توجه به معنای عامل، گرایش بیشتر کودکان واجد مسند مهارگذاری بیرونی را به پیدا کردن راه حل موقعیت ناکام کننده از طریق فرد دیگر نشان می‌دهد و هر چه مسند مهارگذاری، درونی‌تر می‌شود دفاع من بیشتر می‌شود؛ یعنی من کودک بیشتر برای دفاع از خود عمل می‌کند. همچنین عامل بی‌کیفری که در ردیف عوامل مقوله دفاع من قرار می‌گیرد به نتیجه یکسانی منجر گردیده است. بدین معنا که کودکان واجد مسند مهارگذاری درونی با اجتناب از موقعیت ناکام کننده گرایش بیشتری به بازداری بیان خصومت آمیز دارند. با تأیید فرضیه دوم پژوهش، در تبیین این

نتیجه می‌توان گفت وقتی فرد بر این باور باشد که پیامدها به عواملی که فراسوی مهار او هستند وابسته‌اند، کمتر خود را فعالانه با عوامل ناکام‌کننده بیرونی درگیر می‌کند و برای حل موقعیت از دیگران بیشتر یاری می‌خواهد. بالعکس از آنجا که افزایش اغماض به ناکامی مهمترین جلوه تحول سازمان «من»^{۱۷} است می‌توان چنین نتیجه گرفت که کودکان با مسند مهارگذاری در شرایط تحول یافته تری از سازمان من قرار دارند و با توسل به مکانیزمهای سازش یافته‌تر از موقعیتهای ناکام‌کننده طفره می‌روند و موضع بی‌کیفری اتخاذ می‌کنند.

در آزمون فرضیه سوم پژوهش که تفاوت جهت پرخاشگری را در کودکان واجد مسند مهارگذاری درونی و بیرونی مود توجه قرار داده بود، ملاک ارزشیابی ضریبهای رگرسیون مسند مهارگذاری در مقوله‌ها و عوامل مرتبط با جهت پرخاشگری است. نتایج نشان می‌دهند که گرچه در سطح مقوله‌های اصلی مرتبط با جهت پرخاشگری آزمون، تأثیر مسند مهارگذاری به سطح معناداری ارتقاء نیافته است (در مقوله بی پرخاشگری با سطح معناداری ۰/۷۵) اما در سطح عوامل مرتبط با مقوله‌های اصلی جهت پرخاشگری، فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود. نتایج نشان می‌دهند که مسند مهارگذاری بر عوامل مرتبط با مقوله اصلی درون پرخاشگری؛ یعنی درون منعی، درون کیفری و گونه الحاقی درون کیفری تأثیر مثبت دارد؛ یعنی هر چه مسند مهارگذاری بیرونی‌تر می‌شود با قبول تقصیر، سرزنش خود و پذیرش اشتباه از سوی فرد، پرخاشگری بیشتر متوجه خود اوست. این نتیجه با یافته‌های «باتریند» (۱۹۶۴)، و پژوهشهایی که به رابطه مثبت مسند مهارگذاری بیرونی و افسردگی دست یافته‌اند (فیلد و همکاران، ۱۹۸۷؛ سلبرگ، ۱۹۸۹) همگراست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در مجموع براساس یافته‌های اصلی پژوهش به نظر می‌رسد اسناد تقویتها به نیروهایی فراسوی مهار خود، از یکسو عادت به حل شرایط ناکامی از طریق عوامل بیرونی را گسترش می‌دهد و از سوی دیگر افزایش احساس ناتوانی در حل موقعیت ناکام‌کننده منجر به سرزنش و انتقاد از خود می‌گردد. در مقابل اسناد تقویتها به ویژگیهای درونی با گسترش احساس توانایی در حل موقعیت ناکام‌کننده، سعی در تغییر موقعیت ناکامی را افزایش می‌دهد.



یادداشت‌ها:

- 1- Perception of control (Perceived control)
- 2- Locus of control
- 3- Internal locus of control
- 4- External locus of control

- | | |
|--|---|
| 5- Outcome contingency | 6- Personal competence |
| 7- Action | 8- Liverant |
| 9- Scodel, A. | 10- Child, I.L. |
| 11- Waterhouse, I. K. | 12- Type of aggression |
| 13- Direct of aggression | 14- Nowicki- Strickland Locus of Control Scale for Children |
| 15- Forced- Choice. | 17- Ego |
| 16- Rosenzweig Picture-Frustration Test for Children | |

منابع:

- ۱- دلاور، علی؛ (۱۳۷۱)، روشهای آماری در روانشناسی و علوم تربیتی؛ چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۲- دلخوش، محمدتقی؛ (۱۳۷۳)، بررسی پرخاشگری در کودکان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی؛ پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۳- شیولسون، ریچارد؛ استدلال آماری در علوم رفتاری؛ ترجمه علیرضا کیامنش؛ جلد دوم، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی ۱۳۷۱.
- ۴- کرلینجر، فرد و پدر هازورر، لازار؛ رگرسيون چند متغییری در پژوهش رفتاری؛ ترجمه حسن سزایی؛ جلد اول، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۶

- ○ ○
- Abramson, L. Y.; Seligman, M. E. P., & Teasdate, (1978) J., *Learned helplessness in humans: Critique and reformulation*, *Journal of Abnormal Psychology*, 87, 49-74.
- Bhatia, K., & Golin, S., (1978). *Role of locus of control in frustration- Produced aggression*, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 46 (2), 364- 365.
- Buriel, R. (1981). *The relation of Anglo and Mexican American children's locus of control beliefs about parents' and teachers' socialization practices*, *Child Development*, 25, 103- 113.
- Butterfield, E. C. (1964). *Locus of control, test anxiety, reactions to frustration, and achievement attitudes*, *Journal of Personality*, 32, 255-370.
- Clifford, M. M., Cleary, A. T., (1972). *The relationship between children's academic performance and achievement accountability*, *Child Development*, 43, 647-655.
- Field, T. M., Sandberg, D. Goldstein, S. Garcia, R., & etal, (1987). *Play interactions and interviews of*